**درباره توبه نامه باب**

**نویسنده : صادقی، علی اشرف**

آقای دکتر سیروس پرهام در مقاله ارزشمند «ماجرای اسناد مشروطه و توبه‏نامه باب» در شماره اولِ سال نوزدهم نشردانش (بهار 1381، ص 38ـ37)، به بحث درباره توبه‏نامه باب پرداخته و ضمن آن از آقای عبدالحسین حائری رئیس سابق کتابخانه مجلس شورای اسلامی نقل کرده‏اند که اصل توبه‏نامه باب هم‏اکنون در صندوق کارپردازی مجلس شورای ملی سابق است که در حال حاضر در مجلس شورای اسلامی نگهداری می‏شود. به گفته آقای حائری این توبه‏نامه هیچگونه مهر و امضائی ندارد. اما از آنجائی که ناصرالدین میرزای ولیعهد (ناصرالدین‏شاه بعدی) در عریضه‏ای به محمّدشاه می‏نویسد که باب «التزام پا به مهر سپرده که دیگر از این غلطها نکند» و میرزا ابوالفضل گلپایگانی مؤلف بابی کتاب کشف‏الغطا نیز تصریح کرده که در این عریضه استغفار پا به مهر باب مذکور است، آقای دکتر پرهام نتیجه گرفته‏اند که نسخه موجود در صندوق کارگزاری مجلس «چه‏بسا نسخه اصلی نباشد و احتمالاً نسخه پیش‏نویس باشد». ایشان سپس به نقل از سیّدمحمّد باقر نجفی مؤلف کتاب بهائیان یادآور شده‏اند که اصل این توبه‏نامه در کتاب ظهورالحق فاضل مازندرانی و کتاب:

Materials for [the] Study of the Bábí Religion

از ادوارد براون عینا کلیشه‏شده اما گراوورهایی که در دست ایشان بوده، از جمله صورتی که در کتاب بهائیان آمده چندان تار و مات است که تشخیص محل مهر و امضاء باب را نشان نمی‏دهد.

در اینجا برای اطلاع خوانندگان یادآوری می‏کند که صورتی از توبه‏نامه که در کتاب براون آمده نیز فاقد مهر و امضا است. عکس این سند را هیپولیت دِرِیفوس در فوریه 1912 و ظاهرا از تهران برای براون فرستاده است. به نوشته براون وی عالم‏ترین و عالی‏مقام‏ترین اروپائی پیرو باب بوده است. از آنجا که وی عکس دو سند دیگر را که یکی صورت‏جلسه محاکمه باب و دیگر حکم دو تن از علمای تبریز به نام ابوالقاسم حسنی حسینی و علی‏اصغر حسنی حسینی درباره باب است نیز همزمان برای براون فرستاده، می‏توان تا حد زیادی به اصالت عکس توبه‏نامه یقین پیدا کرد و معتقد شد که این همان عکسی است که به گفته ابوالفضل گلپایگانی پس از خلع محمّدعلی‏شاه و افتادن مخازن دولتی به دست مردم (ملتیان) «یکی از محبین تاریخ [از اصل توبه‏نامه[ عکس برداشته و منتشر کرده است» (رک. مقاله آقای دکتر پرهام، ص 37).

ضمنا یادآوری می‏گردد که عریضه‏ای که در کتاب بهائیان به ناصرالدین میرزا نسبت داده شده و در مقاله آقای پرهام (ص 37) به آن اشاره شده به عقیده براون از امیراصلان خان دائی ناصرالدین‏شاه است که به گفته [حاجی [میرزاجانی [کاشانی] در آن محاکمه حضور داشته است. این عقیده براون مستنتج از عبارت «این غلام» است که نویسنده نامه از خود با آن نام می‏برد. به نوشته براون ناصرالدین‏میرزا تنها اسما رئیس این جلسه محاکمه بوده است (کتاب مذکور، ص 248).

از آنجا که عکس توبه‏نامه باب در منابع فارسی خوانا نیست در اینجا به چاپ عین آن و متن حروف‏چینی‏شده آن براساس کتاب براون (ص 7ـ256) با چند مورد اصلاح می‏پردازیم.

فداک‏روحیالحمدللّه‏ کما هو اهله و مستحقّه که ظهوراتِ فضل و رحمتِ خود را در هر حال بر کافّه عبادِ خود شامل گردانیده بحمداللّه‏ ثمّ حمدا که مثلِ آن حضرت را ینبوعِ رأفت و رحمتِ خود فرموده که بظهورِ عطوفتش عفو از بندگان و تستّر بر مجرمان و ترحّم بر یاغیان فرموده اشهداللّه‏ من عنده که این بنده ضعیف را قصدی نیست که خلافِ رضای خداوندِ عالم و اهلِ ولایتِ او باشد اگرچه بنفسه وجودم ذنبِ صرف است ولی چون قلبم موقن بتوحیدِ خداوند جلّ ذکره و نبوّتِ رسولِ او صآ و ولایتِ اهلِ ولایت اوست و لسانم مقرّ بر کلِّ ما نزل من عنداللّه‏ است امیدِ رحمت او را دارم و مطلقا خلافِ رضای حق را نخواسته‏ام و اگر کلماتی که خلاف رضای او بوده از قلم جاری شده غرضم عصیان نبوده و در هر حال مستغفر و تائبم حضرت او را و این بنده را مطلق علمی نیست که منوط بادّعائی باشد استغفراللّه‏ ربّی و أتوب الیه من أن یُنْسَبَ الیّ امرٌ و بعضی مناجات و کلمات که از لسان جاری شده دلیل بر هیچ امری نیست و مدعی1 نیابت خاصّه حضرت حجّة‏اللّه‏ علیه‏السلام را محض مدعی2 مبطل است و این بنده را چنین ادّعائی نبوده و نه ادّعای دیگر، مستدعی از الطاف حضرت شاهنشاهی و آنحضرت چنان است که این دعاگو را بالطاف و عنایات بساط رأفت و رحمتِ خود سرافراز فرمایند والسّلام.

1) مدعای.2) اصل: ادعی. ادعا هم می‏تواند باشد.